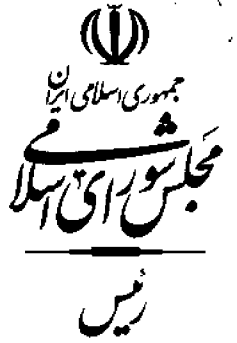


شماره: ۵۲۵/۷۳۰۳۷

تاریخ: ۱۳۸۶/۰۵/۱۵

پیوست:

بسته



ورود به دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۸۶۱۱۹۴۹۴ صبح
تاریخ ثبت: ۸۶/۵/۱۵ عصر
اقدام کننده:

حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین جمهوری اسلامی ایران و رومانی که به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۵ مجلس عیناً به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می گردد.

غلامعلی حدادعادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین جمهوری اسلامی ایران و رومانی

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین جمهوری اسلامی ایران و رومانی مشتمل بر یک مقدمه و بیست و نه ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

تبصره - هزینه های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین جمهوری اسلامی ایران و رومانی

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و رومانی که از این پس دولتهای متعاقد نامیده می شوند، با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر سرمایه است که صرف نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد، مقامات محلی یا واحدهای منطقه‌ای - اداری آنها وضع می گردد.

۲- مالیات بر درآمد و سرمایه عبارت است از مالیات بر کل درآمد و کل سرمایه یا اجزای درآمد و سرمایه از جمله مالیات درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد،

- مالیات بر دارایی،

ب: در مورد رومانی:

- مالیات بر درآمد،

- مالیات بر منافع،

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، یکدیگر را از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ - تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء

نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:

الف:

۱- «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

۲- «رومانی» به قلمرو دولت رومانی شامل دریای سرزمینی و حریم هوایی بالای آن و دریای سرزمینی که رومانی نسبت به آنها حق حاکمیت اعمال می نماید، همچنین مناطق مجاور و فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی که رومانی طبق اصول و قواعد بین‌المللی حقوق حاکمیت یا صلاحیت در آنها اعمال می نماید اطلاق می گردد.

ب: «شخص» اطلاق می شود به:

۱- شخص حقیقی،

۲- شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد.

پ: «شرکت» اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ت: «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد.

ث: «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می گردد اطلاق می شود.

ج: «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی، جاده‌ای یا راه‌آهن اطلاق می شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی، جاده‌ای یا راه‌آهن صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در یکی از دو دولت متعاقد استفاده شود.

چ: اصطلاح «تبعه» اطلاق می شود به:

۱- هر شخص حقیقی که طبق قوانین داخلی هر دولت متعاقد تعیین شده باشد،

۲- هر شخص حقوقی که وضعیت قانونی خود را از قوانین جاری در یک دولت

متعاقد کسب نماید.

ح: مقام صلاحیتدار:

۱- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او،

۲- در مورد رومانی به وزیر مالیه عمومی یا نماینده مجاز او اطلاق می شود.

۲- در اجراء این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح مقیم یک دولت متعاقد به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و مقام محلی یا واحدهای منطقه ای - اداری خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ سرمایه و یا کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف- او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب- هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

ب- هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت متعاهد را نداشته باشد و یا در صورتی که نتوان بر اساس بندهای فوق او را مقیم یکی از دولتهای متعاهد تلقی کرد، موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دودولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که وفق مقررات بند (۱) شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد. آن شخص مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده وی در آن واقع است.

ماده ۵ - مقرر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقرر دائم» به محل ثابت کسب و کار اطلاق می شود که از طریق آن، مؤسسه یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً در دولت متعاهد دیگر به کسب و کار اشتغال دارد.

۲- اصطلاح «مقرر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

پ - دفتر

ت - کارخانه

ث - کارگاه

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره برداری از منابع طبیعی

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوارکردن و یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقرر دائم» محسوب می شود ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتها بیش از مدت دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، انجام فعالیت‌های مشروحه زیر توسط مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر بعنوان فعالیت از طریق «مقر دائم» تلقی نخواهد شد:

الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبارکردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه.

ب - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبارکردن یا نمایش.

پ - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.

ت - فروش کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه در نمایشگاه یا بازارهای مکاره خاص موقتی، در صورتی که کالا یا اجناس مزبور حداکثر یک ماه پس از خاتمه نمایشگاه یا بازار فوق‌الذکر به طور قطعی به فروش برسد.

ث - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ج - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات و یا سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

چ - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ج)، به شرط آن که فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاهد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد بنام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آن که فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت چنانچه آن فعالیت‌ها از طریق

محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرد به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقرر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العمل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد. در آن دولت متعاقد دیگر دارای مقرر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این عامل و آن مؤسسه در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقرر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای این که یکی از آنها مقرر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح اموال غیر منقول دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازاء کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت و گاز

خواهد بود. کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه‌آهن به‌عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهد شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- در آمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر این که این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد در آمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت دیگر می‌شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به‌صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرائی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشد، کسر خواهد شد، اعم از آن که در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴- چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند(۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آن که مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶- در آمد منظور شده برای آن مقر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آن که دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مفاد این ماده خدشه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸- حمل و نقل بین المللی

درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتی ها، قایق ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده ای و راه آهن در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

ماده ۹- مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف- مؤسسه یک دولت متعاهد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد. یا

ب- اشخاص واحد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از

این مؤسسات می‌شد ولی بعلت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء در آمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدهای باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰ - سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد. این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام معادن، سهام مؤسین یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود، در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقرر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد، و منافع تقسیم‌نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱- هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع‌ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود ولی چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از هشت درصد (۸٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به‌خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از

اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که توسط دولت متعاهد دیگر، مؤسسات دولتی، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاهد دیگر می‌باشد، کسب می‌شود، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته‌باشد یا در دولت متعاهد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت‌کننده خود دولت، مقام محلی، واحد منطقه‌ای - اداری، یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع‌ذلک، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاهد محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲ - حق الامتیازها

- ۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.
- ۲- مع ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعهده‌ای که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الامتیاز مقیم دولت متعاقد دیگر باشد مالیات متعلقه بیش از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.
- ۳- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی، فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.
- ۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دائم، فعالیت شغلی داشته‌باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.
- ۵- حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده خود آن دولت، مقامی محلی، واحد منطقه‌ای - اداری یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که شخص پرداخت‌کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجود حق الامتیاز به نحوی مؤثر با آن مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت

حق الامتیاز بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق الامتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولت‌های متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی و یا جاده‌ای یا راه آهن فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارایی آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر آن که این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی یا آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، کارشناسان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیرمستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می باشد مگر آن که استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند(۱)، حق‌الزحمه دریافتی توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آن‌که:

الف - جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاقد دیگر به سر برده‌است از ۱۸۳ روز در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و

ب - حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود، و

پ - پرداخت حق‌الزحمه برعهده مقرر داریم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یادشده در این ماده، حق‌الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد، در زمینه استخدام در کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی، جاده‌ای یا راه‌آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۶ - حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود

در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) آن درآمد مشمول مالیات دولت متعهده می‌شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳- درآمدهای هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیت‌های خود در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی یا ورزشی میان دو دولت متعاقد تحصیل می‌نماید از شمول بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی

۱- با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹) حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱) حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب طرح‌های عمومی که قسمتی از نظام تأمین اجتماعی یک دولت متعاقد می‌باشد، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۹ - خدمات دولتی

۱- حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد، مقام محلی یا واحد منطقه‌ای - اداری آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت، مقام محلی یا واحد فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. مع‌ذلک، در صورتی که خدمات در دولت دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حقوق یا دستمزدها و سایر حق‌الزحمه‌ها فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آن‌که آن شخص مقیم:

- تبعه آن دولت بوده، یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت، مقام محلی یا واحد منطقه‌ای - اداری آن به فردی در مورد خدماتی که برای آن دولت، مقام محلی یا واحد مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۳- در مورد حقوق و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در مورد فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا مقام محلی یا واحد منطقه‌ای - اداری آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرسین، محصلین و محققین

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از دیدار از یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

۲- همچنین، حق‌الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که بلافاصله قبل از دیدار از یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد نخست به سر می‌برد، از مالیات آن دولت متعاقد معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود. مفاد این بند در مورد حق‌الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می‌باشند، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۱ - سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار پردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد درمورد آن حاصل شده است با این مقر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات مواد (۷) یا (۱۴) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۲ - سرمایه

۱- سرمایه متشکل از اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دائمی که مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد می باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می باشد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتی ها، قایق ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده ای و راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها، قایق ها، وسایط نقلیه هوایی، جاده ای و راه آهن فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۴- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳ - آئین حذف مالیات مضاعف

۱ - در مورد جمهوری اسلامی ایران:

الف - در صورتی که مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمدی حاصل کند یا سرمایه‌ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات رومانی شود جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد:

۱- مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در رومانی از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

۲- مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در رومانی از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

مع ذلک در هریک از دو مورد، این‌گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد یا سرمایه در رومانی تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

ب - در صورتی که طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم جمهوری اسلامی ایران از مالیات دولت رومانی معاف باشد، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

۲- در مورد رومانی:

در صورتی که مقیم رومانی درآمدی حاصل کند یا سرمایه‌ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات جمهوری اسلامی ایران شود، رومانی اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در جمهوری اسلامی ایران از مالیات بر درآمد آن فرد مقیم کسر شود.

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در جمهوری اسلامی ایران از مالیات بر سرمایه آن فرد مقیم کسر شود.

مع ذلک، در هر یک از دو مورد، این گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد یا سرمایه در جمهوری اسلامی ایران تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

ماده ۲۴ - عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دایم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاهد دیگر که همان فعالیت ها را انجام می دهند نامساعدتر باشد.

۳- مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می شود، هزینه های مالی، حق الامتیاز و سایر هزینه های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود، همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت

متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵- این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

ماده ۲۵ - آئین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخص مقیم یک دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین ملی دولت‌های مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعهده‌ی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعهده‌ی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجراء این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار با مشورت

یکدیگر، آئین‌ها، شرایط، روش‌ها و فنون مقتضی را برای اجراء آئین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می‌آورند.

ماده ۲۶ - تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجراء مقررات این موافقتنامه یا برای اجراء قوانین داخلی غیرمغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیات-های مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یادشده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشاء هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشاء آن خلاف خط‌مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۷ - اعضاء هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی
مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضاء هیأت‌های نمایندگی و
مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا
مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸ - لازم الاجراء شدن

۱- دولتهای متعاقد طبق قوانین و مقررات خود این موافقتنامه را تصویب خواهند
کرد.

۲- این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه‌ای که به موجب آن دولتهای متعاقد
یکدیگر را از تکمیل الزامات داخلی مورد نیاز برای لازم‌الاجراء شدن آن مطلع خواهند نمود،
لازم‌الاجراء و مقررات آن در مورد آن قسمت از درآمد و سرمایه که در اول سال تقویمی
متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته یا بعد از آن حاصل می‌شود یا موجود
است، به مورد اجراء گذارده خواهد شد.

ماده ۲۹ - فسخ

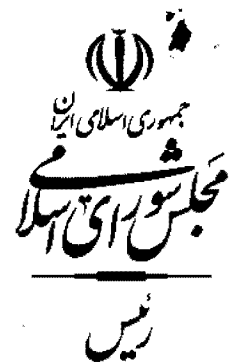
این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم‌الاجراء خواهد
بود. هر یک از دولتهای متعاقد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه
یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از
تاریخی که موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در
مورد آن قسمت از درآمد و سرمایه‌ای که در اول سال تقویمی متعاقب سالی که این
یادداشت فسخ تسلیم شده است یا بعد از آن موجود باشد یا حاصل شود، اعمال نخواهد شد.

شماره: ۵۲۵/۷۳۰۳۷

تاریخ: ۱۳۸۶/۰۵/۱۵

پوست:

بیت



این موافقتنامه در بخارست در دو نسخه در تاریخ یازدهم مهر ۱۳۸۰ هجری شمسی برابر با سوم اکتبر ۲۰۰۱ میلادی به زبانهای فارسی، رومانیایی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

از طرف

رومانی

از طرف

جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و نه ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ پانزدهم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

غلامعلی حدادعادل

رئیس مجلس شورای اسلامی